

# دوین دورہ مسابقات داورى تجارى

## لاىحه دفاعیه

### خواندگان:

- ۱) شرکت آینه سپید آریا نوین سفر (آسان سفر)
- ۲) شرکت آتیه سازان آریا نوپا سیر (آسان سیر)
- ۳) مهدی آینه وند
- ۴) احسان احمدیان
- ۵) سمیرا دهباشی

### خواهان:

شرکت سیناد کپتال

دبیرخانه محترم مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

با سلام و احترام

اینجانب به وکالت از موکلین، شرکت آینده سپید آریا نوین سفر (آسان سفر) و شرکت آینده سپید آریا نوین سیر (آسان سیر)، آقایان مهدی آیینه وند و احسان احمدیان و خانم سمیرا دهباشی به پیوست، ضمن اعتراض جدی به صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران، و جهت پرهیز از قرار گرفتن از داوری عملی، تنها به منظور رعایت حقوق موکلین، دفاعیاتی را تقدیم می دارد. خواهشمند است دیوان داوری بدوا و پیش از ورود به ماهیت اختلاف، در خصوص ایرادات صلاحیتی مرکز تصمیم گیری نموده و تنها در صورت احراز صلاحیت آن مرکز، دفاعیات ماهوی را مورد توجه قرار دهد.

با احترام فراوان

شهرزاد وطنخواه

وکیل دادگستری

۱۳۹۵/۰۹/۰۴

## فهرست

صفحه	عنوان
۴.....	لایحه دفاعیه .....
۴.....	ایرادات شکلی .....
۴.....	"عدم صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران" .....
۶.....	دفاعیات ماهوی .....
۶.....	الف) بند ۷- و دادخواست داوری خواهان- ادعای سلب حق حضور در هیأت مدیره. ....
۸.....	ب) بند ۱-۸ دادخواست داوری- مطالبه خسارت تأخیر در انتقال سهام .....
۹.....	پ) بند ۲-۸ دادخواست داوری- درخواست اعمال سهم در افزایش سرمایه .....
۱۰.....	ت) بند ۳-۸ دادخواست داوری- ادعای قابلیت ابطال تصمیمات مجمع عمومی آسان سفر و بطلان صلح اموال میان موکلین .....
۱۶.....	ث) بند ۴-۸ دادخواست داوری- مطالبه سود سهام .....
۱۸.....	منابع: .....
۱۸.....	علائم اختصاری .....

(لایحه دفاعیه)

هیأت محترم داوران

احتراماً دفاعیات و ایرادات وارده بر ادعاهای طرح شده در دادخواست داوری را در دو بخش دفاعیات شکلی و ماهوی به استحضار می‌رساند ضمناً جهت پرهیز از قرار گرفتن در داوری عملی تأکید می‌گردد دفاع ماهوی تنها جهت جلوگیری از تضییع حقوق موکل انجام پذیرفته است.

## ایرادات شکلی

### "عدم صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران"

(۱) آنچه از ادله و ادعاهای خواهان نمایان است و از بند یکم جدول خواسته‌ها در دادخواست داوری مشهود می‌باشد این است که اصل این اختلاف ناشی از قرار داد خرید سهمی است که در تاریخ یکم اردیبهشت ۱۳۹۰ منعقد شده است و از آنجا که قرارداد نامبرده فاقد شرط داوری مرکز داوری اتاق ایران می‌باشد بنابراین این مرکز فاقد صلاحیت رسیدگی به اختلاف می‌باشد.

(۲) خواهان محترم در بند ۳-۹ دادخواست داوری مدعی شده است دو قرارداد خرید سهم و سهامداران یک کلیت واحد را تشکیل می‌دهند؛ پر واضح است که چنین ادعایی از منظر حقوقی و حتی منطقی فاقد اعتبار است، اگر بنای طرفین بر این بود که موضوعات دو قرارداد کلیت واحدی را تشکیل دهد چه لزومی داشت این موارد را در دو قرارداد مجزا طرح نمایند. در واقع موضوع قراردادها کاملاً مجزا از یکدیگر بوده و ارتباطی به یکدیگر

ندارد؛ موضوع قرارداد خرید سهم فروش سهم می باشد و موضوع قرارداد سهامداران تعیین چارچوب روابط سهامداران و تکالیف و حقوق آنها نسبت به شرکت.

۳) چنانچه به هر دلیلی مرجع داوری صلاحیت خود را جهت رسیدگی احراز نماید ضمن اینکه موکلین حق خود را جهت ارائه درخواست ابطال رأی داوران در دادگاه محفوظ می دانند این امر مسلم است که حداقل بخشی از اختلاف ناشی از قرارداد خرید سهم می باشد که به دلیل عدم توافق طرفین بر داوری در آن خصوص، قطعاً صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران نسبت به آن بخش از اختلاف منتفی می باشد.

۴) خواهان محترم جهت احراز صلاحیت مرکز داوری در بخش ۳-۹ لایحه ی خود به ماده ۱۰ قواعد و آیین داوری مرکز داوری اشاره نموده است؛ این در حالی می باشد که ماده فوق اساساً در مقام بیان صلاحیت مرکز داوری نبوده و صرفاً در فرضی که در خصوص تعیین داوران اختلاف وجود داشته باشد تعیین تکلیف نموده است. در واقع مجرای ماده ۱۰ فرضی می باشد که اصل صلاحیت مرکز محرز بوده ولی در خصوص تعداد و نحوه انتخاب داوران اختلاف وجود دارد بنابراین استناد به این ماده در خصوص صلاحیت مرکز داوری خالی از وجه می باشد.

۵) شرکت آسان سیر طرف قرارداد داوری نبوده و طرح دعوا به طرفیت این شرکت به دلیل اصل نسبی بودن آثار قرارداد داوری نسبت به طرفین آن و نیز متکی بودن داوری به وجود قرارداد داوری، در صلاحیت مرکز داوری اتاق بازرگانی نمی باشد.<sup>۱</sup>

۶) طرح هرگونه دعوی علیه آسان سفر می بایستی به طرفیت مدیر تصفیه انجام پذیرد و با ملاک ارائه شده در ماده ۲۱۰ لایحه اصلاحی انحلال شرکت نسبت به اشخاص ثالث

<sup>۱</sup> دکتر عبدالحسین شیروی، داوری تجارت بین المللی، صفحه ۲۳

پیش از ثبت فاقد اثر است اما فی الواقع پس از تصمیم مجمع شرکت منحل شده محسوب و آثار آن نسبت به شرکاء آغاز می شود من جمله اینکه می بایستی چنین دعوایی به طرفیت مدیر تصفیه طرح گردد؛ علاوه بر این چنانچه ادعای خواهان مندرج در بند ۶-۹ دادخواست پذیرفته شود شرکت در حال تصفیه بایستی بتواند خواهان نیز واقع گردد در حالیکه شخصیت حقوقی شرکت تنها جهت امور لازم برای تصفیه باقی می ماند نه فراتر از آن.

(۷) و در پاسخ به بحث مندرج در بند ۴-۹ دادخواست داوری تنها مختصراً به استحضار می رساند استناد به قاعده استقلال شرط داوری در فرض حاضر برای اثبات صلاحیت مرکز هیچ جایگاهی ندارد زیرا این قاعده صلاحیت داور را در صورتی که طرفین بر سر اعتبار یا بطلان اصل قرارداد اختلاف داشته باشند تأکید می نماید تا به صحت قرارداد فی نفسه رسیدگی نماید اما در فرض حاضر اختلافی بر سر اعتبار قراردادها وجود ندارد.

## **دفاعیات ماهوی**

**الف) بند ۷- و دادخواست داوری خواهان- ادعای سلب حق حضور در هیأت مدیره.**

خواهان محترم ادعای سلب حق حضور در هیأت مدیره آسان سفر از وی را با طرح دلایلی عنوان نموده اند که با ایراد جدی مواجه است:

الف) (۱) به دلیل عدم انتقال رسمی سهام تا شهریور ۱۳۹۱ به خواهان (صرف نظر از اینکه علت این امر اقدام خود خواهان بوده است) عضویت در هیأت مدیره تا آن تاریخ با مانع ماده ۱۰۷ لایحه اصلاحی مواجه بوده است و پس از آن نیز حق مورد ادعای ناشی از ماده ۹ قرارداد،

توسط سهامداران به رسمیت شناخته شده اما نظر به انتخاب اعضای هیأت مدیره بر مبنای ماده ۱۰۸ لایحه اصلاحی شخص مورد پیشنهاد خواهان رأی مجمع عمومی را کسب نمی نموده است.

الف(۲) هیأت مدیره مسئولیت اداره کلی شرکت را بر عهده دارد و (جز در موارد قانونی) به طور مستقیم در اداره امور شرکت دخالت نمی کند بلکه اصول کلی را ترسیم می نماید به نوعی مغز متفکر شرکت محسوب می شود<sup>۱</sup> با توجه به اینکه همواره پس از انعقاد قرارداد خرید سهم نماینده سینباد در تمام جلسات هیأت مزبور حضور داشته و صاحب رأی بوده و حتی امضای ایشان ذیل صورتجلسات غیر مشمول ماده ۱۰۶ لایحه اصلاحی موجود است، به طور عملی در تصمیمات هیأت مدیره و تعیین خط مشی کلی موثر بوده اند و طرح این ادعا چنگ بر هر حشیش زدن است.

الف(۳) وفق مقررات ماده ۱۱۴ لایحه اصلاحی مدیران می بایستی تعداد مشخصی سهام که طبق اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است به عنوان سهام وثیقه نزد شرکت بسپارند با توجه به ملاک ماده برای تعیین سقف سهام وثیقه مدیران که فی الواقع حق رأی در مجامع عمومی می باشد، شرکت خواهان با سلب شدن حق رأی در مجامع عمومی از سهام وی به موجب ماده ۳۷ لایحه اصلاحی و شرح مندرج در بند(ت)۱ لایحه تقدیمی به طریق اولی شرایط عضویت در هیأت مدیره را نیز از دست داده است.

الف(۴) به موجب ماده ۴۲ لایحه اصلاحی امتیازات سهام ممتاز می بایستی به وضوح تعیین گردد و مطابق بند ۴، ۷ قرارداد سهامداران حقوق امتیاز متعلق به سهام خواهان محترم منحصر

<sup>۱</sup> محمد دمیرجیلی و دیگران/ حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی - صفحه ۱۶۸ و ۱۶۷

به حق تقدم در برخورداری از حاصل فروش اموال ناشی از انحلال یا تصفیه شرکت می باشد لذا تمسک به عنوان سهام ممتاز و مطالبه افزون بر امتیازات مصرح، اتفاقاً برخلاف ادعای خواهان نه تنها به منزله الزام قراردادی نمی باشد بلکه نقض آشکار قانون و قرارداد فی مابین است.

**ب) بند ۱-۸ دادخواست دآوری - مطالبه خسارت تأخیر در انتقال سهام**  
مطالبه خسارت تأخیر در انتقال سهام نیز به شدت محل ایراد می باشد که ذیلاً بدان پرداخته می شود:

ب) ۱) طبق مندرجات بند ۳، ۵ قرارداد خرید سهم تکلیف موکلین (فروشنندگان سهام) اتخاذ تدابیر و اقداماتی در راستای انتقال رسمی سهام به شرکت خواهان بوده است که این تعهد قراردادی یکبار پیش از هر اقدام خواهان در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۰ طی اعلام قبلی مکتوب به شرکت خواهان و حضور در دفترخانه شماره ۱۰ تهران جهت اعطای وکالتنامه رسمی انتقال سهام اجرا شده است اما به جهت عدم حضور نماینده سینباد اعطای وکالت عملاً غیر ممکن بوده؛ و در نهایت نیز تشریفات انتقال رسمی انجام پذیرفته است لذا تأخیر مورد اشاره خواهان محترم ناشی از قصور شخص وی و طبق قاعده اقدام و قواعد عمومی حاکم بر ثبوت خسارت، از موجبات اسقاط حق مطالبه خسارت می باشد.

ب) ۲) خواهان محترم با استناد به ماده ۲۲۱ قانون مدنی به طور ضمنی و نیز صراحتاً در خط هشتم از بند ۱-۸ دادخواست دآوری اقرار نموده اند که "عدم اجرای" تعهد از موجبات مسئولیت در پرداخت خسارت می باشد؛ علاوه بر این تفسیر صحیح از قرارداد فی مابین، دکترین نیز هادی به این نتیجه است که چنین وجه التزام پیش بینی شده در قرارداد در واقع

ترازی درباره خسارت ناشی از عدم انجام تعهد می باشد<sup>۱</sup> در حالیکه موکلین تعهدات خود را اجرا نموده اند و مطالبه خسارت تاخیر اجرای تعهد موضوعیت ندارد.

پ) بند ۲-۸ دادخواست دآوری - درخواست اعمال سهم در افزایش سرمایه طبق مندرجات بند ۶ از قرارداد خرید سهم طلب سهامدارن فروشنده سهام از شرکت آسان سفر می بایستی از طریق افزایش سرمایه از محل مطالبات به سرمایه تبدیل می شده است و لذا درخواست اعمال سهم در افزایش سرمایه مورخ ۱۳۹۰/۷/۱۲ به دلایل ذیل غیر قابل اجابت می باشد:

پ) ۱) به تصریح ماده ۱۸۵ لایحه اصلاحی چنانچه مجمع عمومی فوق العاده شرکت افزایش سرمایه را از طریق مطالبات اشخاص (فروشنندگان سهام به شرکت خواهان) از شرکت تصویب نماید، سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر می شود متعلق به طلبکاران خواهد بود.

پ) ۲) بر فرض صحت ادعای خواهان محترم مبنی بر استحقاق به شرکت در افزایش سرمایه بایستی توجه داشت که:

\* اولاً شروط مندرج در قرارداد تحت عنوان حفظ ۲۴ درصدی سهام و شرکت در افزایش سرمایه یک شرط یک طرفه صرف به نفع خواهان نبوده و حاوی تعهدات دوجانبه شامل ایفای تعهدات مالی خواهان در مرحله اول و اجرای شرط توسط هیأت مدیره در مرحله بعدی (در صورت وجود شرایط قانونی دیگر) بوده است.

<sup>۱</sup> مرحوم ناصر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - صفحه ۲۱۱

\* ثانیاً خواهان با عدم پرداخت مبلغ اسمی سهام خویش در مواعد مقرر و حتی پس از مطالبه هیأت مدیره طی مرقومه ۱۳۹۰/۰۶/۱۲ (و قبل از اقدام به افزایش سرمایه)، به موجب ماده ۳۷ لایحه اصلاحی از خویش سلب حق تقدم در خرید سهام جدید نموده است.

\* ثالثاً وفق مندرجات ماده ۱۶۷ لایحه اصلاحی، هیأت مدیره، مجمع عمومی فوق العاده مرجع سلب حق تقدم یا اعطای آن به سهامداران در خرید سهام جدید با توجه به وضعیت آنان در شرکت می باشند علاوه بر این در شرایطی که سینباد به عنوان سهامدار از ایفای تعهدات قراردادی و قانونی خود نسبت به شرکت آسان سفر سر باز زده است سلب حق تقدم از نامبرده در خرید سهام جدید از تکالیف پیش بینی شده هیأت مدیره در قانون و در راستای جلوگیری از تضییع حقوق سایر سهامداران می باشد.

**ت) بند ۳-۸ دادخواست دآوری - ادعای قابلیت ابطال تصمیمات مجمع عمومی آسان سفر و بطلان صلح اموال میان موکلین**  
ت) ۱) طرح درخواست ابطال تصمیمات مجمع عمومی

خواهان با استناد به عدم رعایت تشریفات مقرر در مواد ۹۷ الی ۱۰۰ لایحه اصلاحی و نیز عدم اطلاع از امور شرکت ادعای قابلیت ابطال تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده شرکت آسان سفر، من جمله تصمیم به انحلال را طرح نموده است که در رد آن موارد زیر به استحضار می رسد:

ت(۱۱) وفق تعریف ارایه شده از سهم در ماده ۲۴ لایحه اصلاحی، سهم مشخص کننده مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت می باشد و لذا سهام برای دارنده آن تنها ایجاد منفعت نمی نماید بلکه تعهداتی نیز به دنبال دارد که اولین آن پرداخت تمام مبلغ اسمی سهم می باشد( ماده ۳۴ لایحه اصلاحی) و ضمانت اجرای عدم ایفای تعهد سهامدار در مقابل شرکت. به موجب ماده ۳۷ از همان لایحه سلب حقوق وابسته به سهام خواهد بود و در حالیکه خواهان ۷۸۰۰۰۰ یورو از اقساط مبلغ اسمی سهام را هنوز نپرداخته است بدیهی است که حقوق خود را از دست داده است.

ت(۱۲) صرف نظر از عدم صحت ادعای خواهان محترم درخصوص رعایت ننمودن تشریفات مقرر در مواد ۹۷ الی ۱۰۰، رعایت یا عدم رعایت تشریفات فوق فایده عملی در حق نامبرده نخواهد داشت زیرا به شرح مندرجات بند ت(۱۱) و نیز طبق مواد مختلف لایحه اصلاحی من جمله مواد ۸۴ و ۸۷ سهامدار مدعی(شرکت سینباد) اصلاً حق رأی<sup>۱</sup> و حق حضور در مجامع عمومی را از دست داده بوده است و موکلین الزامی در مواجهه با چنین سهامداری نداشته اند؛ مضافاً آنکه امضای ورقه سهم به منزله پذیرش تصمیمات مجامع عمومی شرکت می باشد و در نتیجه برای سهامدار فاقد حق رأی چاره ای جز تسلیم در برابر تصمیمات مجامع عمومی نخواهد بود(ماده ۱۵ لایحه اصلاحی).

ت(۱۳) درخواست ابطال تصمیمات و اقدامات مجامع عمومی یا مدیران شرکت اولاً در صورت تخلف از مقررات قانونی یا اساس نامه امکان پذیر می باشد که موکلین هیچگونه تخلفی مرتکب

<sup>۱</sup> اگر چه اصل بر حق رأی می باشد اما گاهی اوقات سهامداران آن را از دست می دهند مانند موارد پیش بینی شده در ماده ۳۷ (محمد دمیر چیلی - همان منبع - صفحه ۱۵۴)

نشده اند ثانیاً مدعی ابطال می بایستی از مصوبات فوق الذکر متحمل خسارت محرز و عینی شده و در مطالبه خسارت نیز محق باشد.

ت(۱) (۴) مستفاد از ماده ۱۳۹ لایحه اصلاحی صاحبان سهام می توانند به شرکن مراجعه و از کلیه عملیات شرکت و مدیران و حسابها کسب اطلاع نمایند این حق سهامدار است که می تواند آنرا اعمال نماید یا خیر و اگر سینباد اقدامی جهت اعمال حق اطلاع خود ننموده است تقصیر متوجه شرکت و ارکان آن نیست.

ت(۱) (۵) هرگاه سهامداران شرکت طی جلسه مجمع عمومی فوق العاده تصمیم به انحلال شرکت بگیرند، برای انحلال نیاز به توجیه و دلیل خاصی نخواهند داشت<sup>۱</sup>. (بند ۴ ماده ۱۹۹) و تصمیم به انحلال آسان سفر نیز با تصویب سهامداران طبق مقررات قانونی و قراردادی گرفته شده و مصون از هر ایراد می باشد. اینکه طرح موضوع تأسیس شرکت جدید آسان سیر چه فایده عملی به حال خواهان محترم دارد معلوم نیست زیرا اگر سهامداران آسان سفر تصمیم به سرمایه گذاری در شرکت جدیدی بگیرند آیا ملازمه ای با تزییع حقوق خواهان دارد و آیا الزامی با سهامداری نامبرده در شرکت جدید وجود داشته است؟

ت(۲) ادعای بطلان صلح اموال شرکت آسان سفر به شرکت آسان سیر.

خواهان با ادعای بطلان صلح اموال شرکت آسان سفر به شرکت آسان سیر دلایلی طرح نموده اند که تماماً قابل خدشه می باشد:

---

<sup>۱</sup> دمیر چیلی - همان منبع - صفحه ۲۳۸

ت(۱۲) طرح درخواست بطلان صلح میان آسان سیر و آسان سفر در مرکز داوری قطعاً از صلاحیت آن مرکز محترم خارج است زیرا بر فرض احراز صلاحیت توسط نهاد داوری، اولاً آنچه موضوع شرط داوری بوده اختلافات ناشی از قرارداد اولیه بین خواهان و برخی از موکلین بوده است و صلح اموال موضوعی حادث در شرکت آسان سفر که هیچ ارتباطی به قرارداد اولیه حاوی شرط داوری ندارد ثانیاً به دلیل اینکه آسان سیر طرف قرارداد صلح و ذی نفع آن می باشد و از طرفی طرف شرط داوری نیز نبوده است حداقل در محدوده این ادعا امکان رسیدگی وجود ندارد.

ت(۲۲) ادعای صوری بودن عقد صلح میان آسان سیر و عدم قابلیت تعیین قیمت واقعی اموال شرکت آسان سفر جهت اعمال حق مندرج در ماده ۴،۷ قرارداد سهامداران نیز مطرود می باشد زیرا اولاً معلوم نیست بر چه مبنایی خواهان معامله را صوری فرض نموده و صرف اشتراک برخی سهامداران دو طرف صلح ملازمه ای با صوری بودن معامله ندارد؛ همچنین انگیزه در معامله صوری بایستی معلوم باشد که موکلین انگیزه ای برای چنین معامله ای نداشته اند زیرا ۹۰ درصد سهام آسان سیر متعلق به یک شرکت انگلیسی می باشد و لذا هنگام تأسیس شرکت جدید (آسان سیر) ارزشیابی دقیق و واقعی آورده ها برای صاحبان سهام مهم بوده است.

ثانیاً معاملات صوری که به زیان دیان صورت پذیرد باطل می باشد در حالیکه شرکت خواهان به موکلین بدهکار نیز می باشد.

ت(۳۲) معلوم نیست خواهان بر چه مبنایی سهامداران خوانده را از اعضای هیأت مدیره آسان سفر فرض نموده و سپس در بخش دیگری از بند ۳-۸ دادخواست خود آنها را در انعقاد صلح نامه غیر مأذون دانسته است؛ تصمیم گیری راجع به اموال شرکت و اساساً اداره آن توسط

مدیران انجام می شود. و اگر خواندگان طبق ادعای خواهان محترم از اعضای هیأت مدیره بوده اند غیر مأذون دانستن آنها در صلح اموال شرکت منتفی خواهد بود و خود خواهان پاسخ خود را داده است. این تناقض و تناقض گویی های دیگر خواهان محترم نشان از عدم جزمیت و قطعیت ایشان در دعوی خود دارد که این امر بر اساس اصول دادرسی از موارد رد دعوی محسوب می شود.<sup>۱</sup>

ت(۴۲) خواهان در بخشی از بند ۳-۸ دادخواست داوری شرکت آسان سفر را یک شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل تلقی نموده است و در ادامه آن را یک شرکت مدنی و تابع ماده ۵۷۱ ق. م دانسته است صرف نظر از این تناقض آشکار در اظهارات باید گفت شرکت آسان سفر یک شرکت تجاری با شخصیت حقوقی مستقل می باشد و این شخص حقوقی به حکم ماده ۵۸۸ ق. ت می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر ... و از جمله این حقوق حق تصمیم گیری راجع به صلح اموال خویش می باشد این امر بدیهی است که شخصیت شرکت مجزا از شخصیت سهامداران و شرکاست و لذا ادعای خواهان مبنی بر اینکه صلح صورت گرفته بدون اذن یکی از سهامداران غیر نافذ بوده اساساً فاقد وجهه قانونی و حقوقی می باشد، علاوه بر این شرکت مالک اموال خود محسوب شده و سهامداران شریک مشاعی اموال شرکت محسوب نمی شوند و پس از خرید سهام اموالی را به شرکت تملک کرده و در ازای آن مجموعه حقوقی به نام سهم دریافت می کنند (مرحوم ناصر کاتوزیان) در نتیجه تردیدی نمی ماند که شرکت می تواند از طریق ارگان تصمیم گیرنده و مدیریتی نسبت به اموال خود تصرف نماید.

<sup>۱</sup> دکتر عبدالله شمس - آئین دادرسی مدنی ، جلد اول صفحه ۴۵۲

ت(۵۲) در بخشی از بند ۳-۸ دادخواست خواهان عنوان شده است که عقد صلح را نمی توان به ضرر ثالث منعقد نمود مانند آنکه اگر صلح پوشش ظاهری برای محروم ساختن شریک از حق شفعه باشد باطل است.

در رد این استدلال و مثال فاقد ارتباط باید گفت اولاً عدم جواز انعقاد عقد به ضرر ثالث قاعده عمومی قراردادها می باشد که در فرض حاضر نیز ضرری متوجه ثالثی نمی باشد ثانیاً به صراحت ماده ۷۵۹ قانون مدنی حق شفعه در صلح نیست هر چند در مقام بیع باشد.

ت(۶۲) در خصوص ادعای بطلان صلح به دلیل شمول ممنوعیت مقرر در مواد ۱۲۹ الی ۱۳۳ لایحه اصلاحی به استحضار می رساند:

\* مقصود از معاملات ممنوع مدیران معاملاتی می باشد که یا بدون اجازه هیأت مدیره و مجمع عمومی عادی و یا در موضوعات مشابه فعالیت شرکت (در فرض ما فعالیت های مرتبط با مسافرت و ...) واقع گردد که صلح اموال آسان سفر به آسان سیر قطعاً مشمول دو شرط بالا نمی باشد و خارج از حکم مواد فوق الاشاره می باشد.

\* معاملات فوق الذکر (بر فرض شمول بر صلح حاضر) به تصریح ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عمومی هم تصویب شوند در مقابل اشخاص ثالث معتبر خواهند بود و حتی در صورت بطلان نیز وفق ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی قابلیت استناد به بطلان در مقابل اشخاص ثالث وجود ندارد در نتیجه درخواست بطلان عقد صلح میان آسان سیر و آسان سفر نه تنها به دلیل تعارض با منافع ثالث مخالفت با قانون خالی از وجه می باشد بلکه فایده عملی هم به حال خواهان نخواهد داشت.

مضافاً آنکه رویه قضایی نیز تمایل به نقض حقوق ثالث به دلیل عدم رعایت تشریفات داخلی شرکت یا مقررات اساس نامه و اصولاً اختلافات داخلی شرکت ندارد.<sup>۱</sup>

\* به موجب مقررات لایحه اصلاحی در مواد ۱۳۰ بند ۳ ماده ۲۵۸ و ۱۳۳ و ... آنچه موجب ایجاد حق درخواست ابطال معاملات انجام شده توسط مدیران می شود وجود عنصر ضرر و عدم رعایت غبطه و صرفه شرکت و سوء نیت مدیران برخلاف منافع شرکت در راستای تأمین منفعت خودشان می باشد، لذا معامله ای که پیرو تصمیم سهامداران (در مجمع) انجام پذیرفته است قطعاً فاقد چنین وصفی و از حکم مواد پیش گفته خروج موضوعی دارد و ادعای طرح شده توسط خواهان فاقد مبانی قانونی می باشد.

#### ث) بند ۴-۸ دادخواست دآوری - مطالبه سود سهام

خواهان محترم در بند ۴-۸ دادخواست دآوری درخواست پرداخت سود سهام خود را نموده است که به دلایل زیر این خواسته محکوم به رد می باشد:

ث) همانگونه که خواهان نیز بدان اشاره نموده است حسب ماده ۱۸ قرارداد سهامداران، نامبرده حق دریافت سود سهام را به مدت ۵ سال از خود ساقط نموده است، برخلاف تفسیر خواهان از شرط فوق به نفوذ تا زمان پیش از توقف عملیات شرکت، اطلاق و صراحت شرط ایجاب عدم تفسیر این چنین می نماید و از آنجا که شرکت آسان سفر در حال تصفیه می باشد

<sup>۱</sup> هیات عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور در رای اصراری شماره ۲۲-۱۳۷۴/۷/۱۱ با استناد به مواد ۱۱۸ و ۱۳۵ و وحدت ملاک ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی چنین حکم کرده است که عدم رعایت اساسنامه راجع به فروش اموال غیر منقول شرکت سهامی، موجب عدم نفوذ معامله در برابر اشخاص ثالث نیست (مذاکرات و آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور - ب۷۴ - دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور صفحه ۳۸۹ و ۴۰۲)

و تقسیم دارایی و سود بین صاحبان سهام ممکن نمی باشد مگر بعد از ختم تصفیه (مواد ۲۴۴ و ۲۴۵ لایحه اصلاحی) این خواسته قابل اجابت نمی باشد.

ث(۲) سود به سهامی تعلق می گیرد که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد و سهامی که بهای آن پس از مطالبه هنوز پرداخت نشده است حق مطالبه سود و اندوخته نسبت به آن تا زمان ایفای تعهدات مالی معلق می ماند و شرکت سینباد تا این لحظه مبلغ ۷۸۰۰۰۰ هزار یورو از بهای اسمی سهام خود را پرداخت ننموده است که تا زمان پرداخت مبلغ فوق و نیز خسارت تأخیر مقرر در ماده ۳۵ لایحه اصلاحی حق مطالبه سود و اندوخته را نخواهد داشت.

نظر به مراتب فوق در صورت احراز صلاحیت ضمن تقاضای رد تمامی خواسته های خواهان محترم ، الزام وی به پرداخت وجوه موضوع قرارداد خرید سهم به ارزش ۷۸۰ هزار یورو به انضمام خسارت تاخیر تادیه پیش بینی شده در قرارداد تا روز اجرای رای داور ( پیوست ۱ ) و همچنین فروش سهام خود به دلیل عدم ایفای تعهدات مالی وفق قواعد مقرر در ماده ۱۶ قرارداد سهامداران ( پیوست ۲ ) را از هیئت محترم داوران خواهشمند است.

با تقدیم احترام مجدد

## منابع :

- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۴)، داوری تجاری بین المللی، انتشارات سمت، تهران.
- دمرچیلی، محمد و دیگران، (۱۳۹۴)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات کتاب آوا، تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی اموال و مالکیت، انتشارات میزان، تهران.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد اول

## علائم اختصاری :

- لایحه اصلاحی : لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷
- سینباد : شرکت سینباد کپیتال ( با مسئولیت محدود )